

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۷ مارچ ۲۰۲۳



یونس نگاه

دروغ امنیت طالبانی

در یکونیم سال گذشته بسیار تبلیغ شده که جنگ پایان یافته و امنیت سراسری در کشور تأمین شده است. مردم نیز گاه از آرامش راهها و سکوت میله‌های تفنگ صحبت می‌کنند. یوتیوبرها به مناطق دورافتاده و گوشه‌های مختلف وطن سر می‌زنند و تعدادی از شایقان گشت‌وگذار و توریست‌ها هم عکس سفر خود به ولایات را نشر می‌کنند؛ اما در کنار این تصویر به‌ظاهر ساکت و آرام وطن، چهره دیگری نیز از کشور وجود دارد که پر از آشوب و ناامنی است. طالبان با اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز، تمام اقشار غیرطالب را در ناامنی جسمی و روانی قرار داده‌اند. آنان تحصیل‌کردگان غیرطالب، شهرنشینان و آنانی را که در نظام جمهوری اسلامی کار و زندگی کرده‌اند، منزوی ساخته و به‌طور بالقوه مستحق پی‌گرد معرفی کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که گروه بزرگی از ساکنان کشور با این خوف زندگی می‌کنند که شاید روزی شکنجه یا کشته شوند. تبعیض و محرومیت بخش بزرگ جامعه، به‌خصوص زنان را گرفتار حس مرگ تدریجی کرده است. میلیون‌ها انسان دچار ناامنی روانی شده‌اند، تعدادی کشور را ترک کرده، برخی انزوا اختیار کرده و دیگران به محافظه‌کاری و سکوت پناه برده‌اند.

طالبان در این مدت هزاران تن را در سراسر کشور شکنجه کرده و کشته‌اند. عکس و ویدیوی تن‌های کوفته و سیاه‌شده قربانیانی که طالبان آنان را از خانه گرفتار کرده و چند روز بعد جسدشان را به خانواده‌ها تحویل می‌دهند، چنان به تکرار و بسیار نشر شده است که دیگر چندان حساسیت خلق نمی‌کند. از جمله دیروز خبر مرگ میرویس نورزائی، نظامی پیشین، در هرات نشر شد. گزارش شده است که آقای نورزائی را چهار روز قبل از آن‌که جسد شکنجه‌شده‌اش را به خانواده تسلیم دهند، طالبان بازداشت کرده بودند. در این موارد، خانواده‌ها با اشک و ناله و بدون آن‌که مرجعی برای شکایت داشته باشند، عزیزشان را به خاک می‌سپارند. هزاران فردی که در این یکونیم سال به این شیوه کشته‌شده‌اند، به دلیل آن‌که مقاومتی نداشته‌اند، با سکوت بازداشت شده و در جایی دور از انظار عمومی شکنجه و کشته شده‌اند؛ بی‌آن که زندگان شاهد فریادشان باشند یا صدای مرمی و شلاق را شنیده باشند. لذا ناامنی تکتک این هزاران فرد و

خانواده‌های‌شان در سکوت استبدادی حاکم بر ظاهر جامعه، نادیده می‌ماند. تعداد زیادی از این هم‌وطنان در گورهای نامعلوم، با عنوان اجساد ناشناس دفن می‌شوند. طالبان این کشتار را پنهان نمی‌کنند و از آن برای ارباب مردم استفاده می‌کنند. ماه گذشته شاروالی کابل احصائیه داد که در جریان سه ماه، ۱۴۴ جسد ناشناس را دفن کرده‌اند. اگر حساب اجساد را که به خانواده‌ها تحویل می‌دهند و آنانی را که به دست شاروالی نرسیده در گورهای نامعلوم دفن شده‌اند، بر این رقم بیفزائیم، نفوس کلانی می‌شود. آن‌گاه اگر قربانیان کل کشور را بشماریم، احتمالاً تلفات مردم در زیر شکنجه و ستم طالبان روزانه به ده‌ها تن می‌رسد.

این حوادث در گزارش‌های مفصلی که نهادهای بین‌المللی نشر می‌کنند، به‌صورت شایسته انعکاس نمی‌یابند. در دومین گزارش ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر برای افغانستان که ماه گذشته نشر شد، چهره قربانیان محو است و صدای فریاد و رنگ خون آنان در متن گزارش به چشم نمی‌خورد. آن‌جا سخن از کلیات و ستم‌های جمعی طالبان است. البته، طالبان به گزارش‌های حقوق بشری، اعتراضات مردم و واکنش جهانی هیچ‌وقعی نمی‌گذارند و از روزی که آمده‌اند، حقوق بشر را در برابر شریعت قرار داده و با آن آشکارا می‌جنگند و با حرکت‌های نمادین، ارزش‌ها و نهادهای حقوق بشری را از دایره «امارت» بیرون پرتاب می‌کنند. از جمله به‌تازگی دفتر ولایتی کمیسیون حقوق بشر بدخشان را به مدرسه بدل کرده‌اند. با دیگر دفاتر این کمیسیون نیز برخورد بهتر از آن نداشته‌اند. وزارت امور زنان را هم در همان اوایل با اقدام نمادین به مرکز مبارزه علیه زنان و آزادی (وزارت امر به معروف و نهی از منکر) بدل کردند. امنیت طالبانی مثل تغییر طالبان دروغ تبلیغاتی است. گروهی که مهارت اصلی‌اش ترساندن، اذیت، شکنجه و کشتار است، بر کشور حاکم شده و به‌صورت مستمر وحشت و ناامنی خلق می‌کند.